

The Quran and the Treatment of Humanity's Main Concerns

Vali Gheybi

¹Assistant Professor, Islamic Studies Department, Shahrekord University

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper KEYWORDS: Quran, Modern man Feeling of emptiness Spirituality Received: 2025/05/13 Accepted: 2025/06/22 *Corresponding author: valighibi@yahoo.com How to cite this paper: Gheybi, V., (2025). The Quran and the Treatment of Humanity's Main Concerns. Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology. 2(2): 31-44.	Today, humanity experiences many psychological. Studies have shown that strong spiritual tendencies promote inner peace. This research aimed to investigate the role of Quranic teachings in creating peace and alleviating the worries and concerns of modern man regarding to death thought, feeling of loneliness, and feeling of emptiness. The research method was descriptive-analytical and used relevant books, documents, and library resources .The research concluded that Quranic teachings and beliefs, by logically explaining the philosophy of creation and giving meaning to life, provide the basis for resolving the aforementioned concerns and creating peace, which will ultimately lead to greater satisfaction and contentment with life.
DOI: 10.22034/isqt.2025.15204.1019	

واکاوی راهکارهای قرآن کریم در راستای حل نمودن دغدغه‌های اصلی انسان

ولی غیبی^۱*

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد

چکیده	اطلاعات مقاله
امروزه بشر به دلیل غفلت از معنویت، در بعد روانی، مشکلات فراوانی را تجربه می‌کند. مطالعات نشان داده است که گرایش‌های معنوی قوی موجب ارتقای آرامش درون می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی نقش آموزه‌های قرآنی در ایجاد آرامش و رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌های انسان مدرن در مقوله مرگ اندیشی، احساس تنهایی و احساس پوچی انجام گرفت. روش تحقیق به صورت تحلیلی-توصیفی و با استفاده از کتب، اسناد و منابع کتابخانه‌ای مرتبط انجام پذیرفت. از تحقیق حاضر نتیجه شد که آموزه‌ها و باورهای قرآنی با تبیین منطقی فلسفه آفرینش و معنابخشی به زندگی، زمینه را برای رفع نگرانی‌های مذکور و ایجاد آرامش فراهم می‌سازد و در نهایت رضایتمندی و خشنودی بیشتر از زندگی را به دنبال خواهد داشت.	نوع مقاله: علمی پژوهشی واژگان کلیدی: قرآن، انسان مدرن، احساس تنهایی، احساس پوچی، معنویت تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: valighibi@yahoo.com ارجاع: غیبی، و.، ۱۴۰۴، واکاوی راهکارهای قرآن کریم در راستای حل نمودن دغدغه‌های اصلی انسان، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲)، ۴۴-۳۱.

مقدمه

انسان مدرن توانسته است به خاطر رشد و توسعه در علم و صنعت تا سطح بالایی از دانش بشری دست یابد که تعبیر عصر انفجار اطلاعات بیان‌گر این واقعیت است. اما در کنار همه‌ی این پیشرفت‌ها فشارهای روانی و اضطراب‌های جدیدی به حوزه‌ی زندگی او وارد شده است. آروین یالوم می‌گوید: «انسان‌ها در زندگی خود پرسش‌های مختلفی دارند که همگی سویه‌های مختلف معنای زندگی هستند: چرا زندگی می‌کنیم؟ چرا ما را به اینجا آورده‌اند؟ برای چه زنده‌ایم؟ بر چه اساسی باید زندگی کنیم؟ اگر باید بمیریم، چیز دیگری هست که معنا داشته باشد؟» (یالوم، ۱۳۹۰: ۵۸۲).

آروین یالوم یکی از روان‌درمانگران معاصر است. دیدگاه وی در این موضوع دغدغه‌ها و نگرانی‌های بشر قابل توجه است. از دیدگاه یالوم مسئله مرگ‌اندیشی، احساس پوچی و احساس تنهایی از دغدغه‌های اصلی بشر است. آروین یالوم متولد ۱۳۹۱ آمریکا، استاد بازنشسته دانشگاه استنفورد است و آثارش شامل طیف گسترده‌ای از نوشته‌های فلسفی، پزشکی، ادبی و روانشناختی درباره‌ی دغدغه‌ها و مشکلات هستی است. در این پژوهش به بررسی نگرانی‌های بشر از دیدگاه یالوم و نیز پاسخ‌ها و راه حل‌های قرآنی درباره آنها پرداخته می‌شود.

همانطور که یالوم اشاره دارد معنای زندگی ابعاد مختلفی دارد. درباره معنای زندگی که آروین یالوم مطرح نموده توجه به این نکته مهم است که نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی و هستی‌شناسی فرد در تبیین معنای زندگی و فلسفه زندگی نقش عمیقی دارد و اساساً تعدد دیدگاه‌های روان‌شناسان و روان‌درمانگران به دلیل وجود اختلاف در نوع جهان‌بینی و تعریف و تفسیر آنها از ماهیت انسان است. دو نوع تفسیر از ماهیت انسان وجود دارد:

۱- تفسیر مادی از انسان

۲- تفسیر معنوی از انسان

در تفسیر مادی، انسان حقیقتی جز این ساختار بیرونی و سلول‌های مختلف و سلسله اعصاب نیست و بهترین زندگی از آن کسانی است که بهتر و بیشتر به خواسته‌های حیوانی خود برسند. اما در تفسیر معنوی از ماهیت انسان، انسان دارای حقیقتی است به نام روح و نفس مجرد. بنابراین نظریه زندگی منحصر در زندگی حیوانی و لوازم آن نخواهد بود.

«افراد بشر به حسب طبع، دلدادۀ لذائذ مادی هستند. خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های گوارا و پوشیدنی‌های شیک و کاخ‌ها و منظره‌های دلنواز، همسر زیبا، دوستان صمیمی و ثروت زیاد، قدرت و مقام و جاه را دوست دارند. ولی با نهاد خدادادی خود می‌فهمند که این همه لذائذ برای انسان آفریده شده نه انسان برای آنها. هدف نهایی بودن شکم و پایین‌تر از شکم، منطق گاو و گوسفند است و دریدن و بریدن و بیچاره کردن دیگران، منطق ببر و پلنگ و گرگ و روباه است. منطق انسان منطق خرد می‌باشد و بس. منطق خرد ما را به سوی پیروی حق هدایت می‌کند نه

به سوی انواع شهوت رانی و خودخواهی.» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۹۸). بنا براین نوع نگرش و تلقی انسان درباره ماهیت انسان و هدف زندگی او در این دنیا و این که آیا جهان را آسایشگاه تلقی کند یا آزمایشگاه بداند، در کیفیت زندگی او اثر گذار است.

یالوم چنین بیان می کند: «دیر یا زود، رویدادهای متعددی در زندگی از قبیل بیماری یا مرگ معشوق، ما را در مقابل واقعیت سرسختانه ی مرگ و میر قرار می دهد. نگرانی مخفی و آگاهانه از مرگ اگر به اندازه کافی بررسی نشود ممکن است رفاه ما را تحلیل ببرد و مانع مشارکت کامل ما در زندگی شود» (رنجبر قدیم؛ قاسمی نیا، ۱۳۹۶: ۶۰).

بررسی دیدگاه اروین یالوم درباره دغدغه مرگ اندیشی

با توجه به اینکه دیدگاه آروین یالوم نسبت به ترس از مرگ، متأثر از اندیشه های اپیکوراست (عزیزی؛ علی زمانی، ۱۳۹۴: ۱۹). لذا با بررسی دیدگاه اپیکور می توان به شالوده فکری یالوم پی برد. فلسفه اخلاقی اپیکور بر مبنای حکمت نظری وی پایه ریزی شده است و تا حکمت نظری وی درست شناخته نشود، حکمت عملی که غایت اندیشه وی می باشد روشن و واضح نخواهد شد. اصول فکری اپیکور عبارتند از:

۱. موجود، منحصر است در ماده و جسم؛
۲. مبدأ علم انسان، حس است و ورای حس، واقعیتی نیست؛
۳. انسان همانند حیوان طالب لذت است؛
۴. غایت زندگی، لذت جسمانی است (بکر، ۱۳۷۸: ۵۰).

اپیکور برای درمان دردهای بشر نسخه ای دارد که در آن نسخه داروهایی وجود دارد از جمله اینکه: از مرگ باک نداشتن، آگاه بودن از اینکه لذت در دسترس همگان است و تحصیل آن آسان است، آگاه بودن از اینکه درد هرگاه طولانی باشد، تحمل پذیر است و اگر شدید باشد زمانش کوتاه است (ژان برن، ۱۳۵۷: ۱۱۶). آدمیان از مرگ احساس وحشت می کنند، زیرا آن را شرّی بزرگ به حساب می آورند و می پندارند که پس از رفتن از این جهان به سبب خطاها و گناهان خود کیفر خواهند دید. در حالی که از مرگ نباید هراس داشت، زیرا مرگ در واقع نیست شدن و از میان رفتن حساسیت است. انحلال جسم موجب انحلال روح می شود (شارل ورنر، ۱۳۷۳: ۱۸۷). حقیقت این است که احساس فناپذیری علت زیربنایی ترس ها و احساس های پوچ گرایانه می شود. دین با وعده دادن جاودانگی در دنیای دیگر می تواند با این احساس های منفی مبارزه کرده و به زندگی معنا بخشد. آنچه انسان امروزی را بیشتر رنج می دهد، خلا وجودی و احساس بی هدفی و ناامیدی در زندگی است. همین احساس ناامیدی و پوچی که ناشی از فراموشی خدا به عنوان مبدا و مقصد زندگی است، باعث شده هنگامی که انسان امروزی به پایان زندگی می اندیشد، آینده را تاریک و مبهم ببیند و از آن بترسد، در حالی که داشتن دین با

ایجاد یک نظام فکری و عقیدتی منسجم در چارچوب مبدا و معاد، واقعیت‌های زندگی را برای انسان قابل فهم کرده و باعث هدفمندی و معناداری جهان برای فرد شده است. روشن است این موضوع که «چون مرگ آید ما نیستیم» بر مبنای دیدگاه مادی گرایانه اپیکور است والا از نگاه قرآن، حقیقت انسان همان روح و نفس مجرد اوست که زنده ابدی است.

اپیکور می‌گفت: آدمیان از مرگ احساس وحشت می‌کنند، زیرا آن را شری بزرگ به حساب می‌آورند و می‌پندارند که پس از رفتن از این جهان به سبب خطاها و گناهان خود کیفر خواهند دید. در حالی که از مرگ نباید هراس داشت، زیرا مرگ در واقع نیست شدن و از میان رفتن حساسیت است. انحلال جسم موجب انحلال روح می‌شود (شارل ورنر، ۱۳۷۳: ۱۸۷). علت اظهار چنین اعتقادی درباره مرگ این است که فلسفه اپیکور تقریباً یکسره از دموکریتوس گرفته شده است، یعنی علم را نتیجه حس می‌داند و عالم را کلاً جسمانی و مرکب از ذرات لایتجزی می‌انگارد که از شماره بیرون هستند و ابدی، قدیم و متحرک دائم می‌باشند. روح را هم مانند جسم ترکیبی از ذرات می‌پندارد و پس از مرگ فانی می‌شمارد (فروغی، ۱۳۷۷: ۵۲).

حقیقت این است که ماتریالیسم و زندگی منهای معنویت روح آدمی را ارضا نمی‌سازد. در بحث‌های آکادمیک در اروپا معنویت منهای خدا مطرح است. معنویت همان چیزی است که آرامش و امنیت خاطر را فراهم می‌کند و آدمی با توجه به خدا از هرگونه یاس و اضطراب و فشار روانی رها می‌شود. قرآن به عنوان آخرین و کامل‌ترین نسخه آسمانی با دعوت مردم به ایمان، برای تمام مسائل بشری و دغدغه‌های بشر پاسخ مناسب دارد. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ؟ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (صف/۱۰)، ای کسانی که ایمان آوردید، آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟ آن اینست که بخدا و رسولش ایمان آورید، و در راه خدا با اموال و نفوس خود جهاد کنید. لذا سرلوحه و شعار پیامبران الهی دعوت به توحید است. توجه به این نکته مهم است که جایگاه ایمان قلب است و تا وقتی ایمان در قلب رسوخ نکند انسان به سعادت حقیقی دست نیابد. اقرار زبانی و لفظی کافی نیست زیرا داعش هم به زبان می‌گوید لا اله الا الله ولی کشتار و جنایت می‌کند، کجا رستگار و سعادتمند است. ایمان سه مرحله دارد یکی باور قلبی دوم اقرار زبانی و سوم تعهد در عمل. عاقبت و سرانجام موحدین عبارت از بهشت ابدی و سرانجام عدم پذیرش این حقیقت و واقعیت رفتاری و عذاب است. همان خدایی که آفریدگار مرگ و حیات است فرموده دغدغه‌ها و نگرانی‌ها شما به خاطر این است که مرا فراموش کرده‌اید و از یاد من اعراض و سرپیچی نموده‌اید. پیامبر گرامی اسلام (ص) دعوت خود را با جمله «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» آغاز کرد. بدیهی است که رستگاری و سعادت انسان با داشتن دغدغه و نگرانی یک جا جمع نمی‌شود و کسی را که دغدغه و نگرانی و اضطراب داشته باشد سعادتمند نمی‌توان قلمداد کرد. حال سوال این است که چگونه با اقرار به

توحید و پذیرش عبودیت خداوند انسان از دغدغه ها و دلوپسی ها رهایی پیدا می کند؟ پاسخ این است در اسلام «الله» بزرگترین واقعیت هستی است و جزء «الله» خالق و موءثری در جهان نیست، سعادت و فلاح انسان در طاعت و بندگی اوست اما آنچه که مانع پذیرش این حقیقت است، سه چیز است یکی اطاعت از هوای نفس، دوم اطاعت شیطان و سوم دنیاپرستی است. راه نجات از این سهم آن هم، دو چیز است نخست توکل بر خداوند و دوم توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

از دیدگاه بیولوژی و علم زیست شناسی مرگ پایان زندگی است، اما از نظر دینی آغاز زندگی است. مرگ به عنوان بزرگترین اسرار، مفهومی پیچیده ای است و دیدگاه های زیادی درباره آن وجود دارد. مرگ می تواند با درد و رنج زیادی همراه باشد و یا بالاترین لذت ها باشد. نوع واکنش های افراد در مواجهه با مرگ و پذیرش آن، بستگی کامل به اعمال، رفتار، افکار آنها در طول حیات دارد. مرگ، ظهور غم و اندوه و حسرت برای عده ای و ظهور گشایش و فرح و نصرت برای عده ای دیگر است. انواع مرگ بر اساس کیفیت مردن:

۱- افراد خوبی که به راحتی جان می دهند؛

۲- افراد خوبی که سخت جان می دهند به خاطر جبران خطاهایی که داشته اند؛

۳- بدکارانی که به راحتی جان می دهند به خاطر نیکی هایی که داشته اند؛

۴- بدکارانی که به سختی جان می دهند به دلیل ظلم های فراوانی که مرتکب شده اند.

طبق بیانات معصومین علیهم السلام تا انسان از این عالم دنیا نرود، به حقایق دست نمی یابد. علی (ع) می فرماید: «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۷). مردم خوابند و وقتی می میرند بیدار می شوند. بنابراین باید پذیرفت که حیات پس از مرگ، زندگی واقعی و حقیقی است. از طرفی با توجه به این که مرگ آمدن خود را خبر نمی کند، باید هر لحظه آماده مرگ بود. سوال این است که چگونه می توان آماده مرگ بود؟ در معارف اسلامی تحت عنوان آمادگی برای مرگ آمده که به یک روایت بسیار مهم از آن اکتفا می گردد: «قِيلَ لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا الْأَسْتَعْدَادُ لِلْمَوْتِ؟ قَالَ: أَدَاءُ الْفَرَائِضِ، اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَالْإِسْتِمَالُ عَلَى الْمَكَارِمِ، ثُمَّ لَا يُبَالِي أَوْقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيْهِ، وَاللَّهُ مَا يُبَالِي ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيْهِ». به محضر مقدس امیرالمؤمنین (ع) عرضه داشتند. راه استعداد یافتن برای مرگ چیست؟ فرمود: ادای واجبات، ترک محرمات، دارا بودن مکارم اخلاقی. چون این سه حقیقت پرونده آدمی را تشکیل دهد، باکی نیست که در کام مرگ افتد یا مرگ وی را بگیرد. به خدا قسم! پسر ابوطالب را از مرگ نگرانی نیست که در دهان مرگ قرار گیرد یا مرگ وی را دریاب بنابراین قبل از این که فرصت ها پایان یابند باید آنها را غنیمت شمرد و به خوبی از آنها بهره جست. رسول خدا (ص) این بازتاب ترک عبادت را چنین ترسیم فرموده است:

«تَفَرَّغُوا لِطَاعَةِ اللَّهِ وَعِبَادَتِهِ قَبْلَ أَنْ يُنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا يَشْغَلُكُمْ عَنِ الْعِبَادَةِ» (حلی، بی تا: ۱۲۰). برای طاعت و عبادت خداوند فراغت بجوید پیش از آن که بر شما بلایی فرو فرستد که از عبادت بازتان دارد.

بنابراین در نگرش توحیدی به جهان و زندگی، شاه کلید درمان دغدغه‌های بشر، ایمان به خدا و توجه به مرگ و معاد است زیرا در مکتب توحید، مالک و خالق مرگ و حیات یکی است که همان خداوند حکیم است و مرگ پایان زندگی نیست بلکه آغاز است. زندگی دنیا یک آزمون است و انسان در هیچ حالی تنها نیست، در هر زمان و مکانی می‌تواند با مبداء علم و قدرت و رحمت بیکران ارتباط برقرار کند و هیچگاه بدون راهنما و قانون سعادت رها نشده است و می‌تواند با اقرار به بندگی و اطاعت خداوند به سعادت ابدی دست یابد. واقعیت این است که یاد مرگ بهترین عامل خودسازی است. طبق آموزه‌های اسلامی چون سفر آخرت سفری است بعید و بی‌بازگشت که منزل‌های سخت و جاهای دشوار دارد، محتاج است به زاد و توشه بسیار که نباید آنی از آن غفلت نمود و شب و روز در فکر آن بود. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در هر شب هنگامی که مردم به خوابگاه خود می‌رفتند صدایش بلند می‌شد، به حدی که صدای آن حضرت را تمام اهل مسجد و کسانی که همسایه مسجد بودند می‌شنیدند؛ می‌فرمود: «تجهّزوا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل»؛ یعنی: آماده شوید و اسباب سفر خود را مهیا کنید، خدا شما را رحمت کند، همانا منادی مرگ ندای «الرحیل» در میان شما در داده شده است (قمی، ۱۶: ۱۳۸۷).

تعبیر قرآن درباره مرگ

تعبیری که قرآن در باره مرگ به کار رفته است ترس از فنا و نیستی را از وجود انسان می‌زداید. تعبیری مانند: رجوع: «افرايتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لاترجعون» لقاء: «من یرجو لقاء ربه فالیعمل عملا صالحا». علی علیه السلام فرموده: من یمت یرنی (راوندی، ۱۳۶۷: ۸۱۲). هر کس که می‌میرد مرا خواهد دید.

طبق بیان قرآن، مرگ، در حقیقت رجوع به پروردگار و ملاقات او است (موسوی همدانی، ۱۳۷۳: ۱۷/۱۱۷). «لینذر یوم التلاق»، تا (مردم را) از روز ملاقات بیم دهد (غافر/۱۵). بنابراین مرگ مرحله دیگری از زندگی ماست و به معنای فنای و نیستی مطلق نیست درست مانند جنین داخل رحم که روح دارد حس دارد ولی غافل است که با خروج از رحم وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌گردد.

علم پزشکی، اساساً مرگ را تنها از دریچه‌ی جسمانی می‌نگرد و آن را «از دست دادن دائم ظرفیت آگاهی و عملکرد ساقه‌ی مغز، در اثر قطع دائم گردش خون یا آسیب فاجعه‌بار مغز» می‌داند. در حالیکه در بینش اسلامی، مرگ انتقال نفس انسان است و حالاتی است که بر نفس می‌گذرد که در قرآن کریم آمده است و مرگ را عبور نفس از تنگنای جسم مادی و ورود به عالم برزخ می‌داند. «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون»، و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند (مومنون/۱۰۰).

به عقیده‌ی علامه طباطبائی، معنای فلسفی موت، عبارت است از مفارقت روح از بدن و قطع علاقه‌ی تدبیری آن که در بعضی روایات، آن را انتقال از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر دانسته‌اند (موسوی همدانی، ۱۳۷۳: ۴۰۳/۱۴).

مرگ مفهوم پیچیده‌ای دارد که می‌تواند با درد و رنج زیادی همراه باشد. مقایسه دیدگاه روانشناسان درباره نحوه مواجهه و مقابله با درد و رنج مرگ، با قرآن کریم بسیار قابل توجه خواهد بود. نتایج نشان داد که هر دو دیدگاه بر تمایل انسان به جاودانگی و ترس از مرگ تاکید می‌کنند و توافق دارند که نوع واکنش‌های هیجانی افراد در مواجهه با مرگ و پذیرش آن، بستگی به رفتار، ساختار شخصیتی و توان مقابله‌ای او با مسائل و مشکلات گذشته در طول زمان حیات دارد. اما مهترین تفاوت این دو دیدگاه در اعتقاد یا عدم اعتقاد به حیات پس از مرگ است که باعث تفاوت در تعریف مرگ و نوع مواجهه با مرگ می‌شود. روانشناسی، اما در کاهش رنج روانشناختی به دلیل نداشتن نظریه‌هایی برای حیات جاوید، همیشه با مشکل مواجه بوده‌اند. دیدگاه‌های روانشناسی معاصر که بر اساس اصل لذت‌گرایی و فرهنگ سکولار بنا شده‌اند، عمل کند.

مرگ به عنوان بزرگترین اسرار، مفهومی پیچیده‌ای است و دیدگاه‌های زیادی درباره آن وجود دارد. مرگ می‌تواند با درد و رنج زیادی همراه باشد و یا بالاترین لذت‌ها باشد. نوع واکنش‌های افراد در مواجهه با مرگ و پذیرش آن، بستگی کامل به اعمال، رفتار، افکار آنها در طول حیات دارد. مرگ، ظهور غم و اندوه و حسرت برای عده‌ای و ظهور گشایش و فرح و نصرت برای عده‌ای دیگر است.

با توجه به این که هر میل و خواسته‌ای در انسان پاسخگویی در خارج دارد. گرسنگی و میل به غذا، تشنگی و میل به آب، نیاز جنسی و میل به همسر و ... بنابراین ترس از مرگ نشان‌دهنده وجود میل جاودانگی در بشر و گریز از فنا نیستی است. پاسخ به این میل به بقا و فرار از نیستی، جز با خلود و ابدیت ارضاء نشود. «بدن و حواس ظاهری، اگرچه در ابتدای سیر انسان به سوی کمال برای او ضرورت دارد اما در نهایت، وقتی انسان به کمال لایق خود برسد، دیگر نیازی به این بدن و حواس خود ندارد، بلکه تمام اینها موانعی هستند برای کشف حقایق.» (غیبی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

احساس پوچی

احساس فناپذیری علت زیربنایی ترس‌ها و احساس‌های پوچ‌گرایانه می‌شود. دین با وعده دادن جاودانگی در دنیای دیگر می‌تواند با این احساس‌های منفی مبارزه کرده و به زندگی معنا بخشد. آنچه انسان امروزی را بیشتر رنج می‌دهد، خلا وجودی و احساس بی‌هدفی و ناامیدی در زندگی است. همین احساس ناامیدی و پوچی که ناشی از فراموشی خدا به عنوان مبدا و مقصد زندگی است، باعث شده هنگامی که انسان امروزی به پایان زندگی می‌اندیشد، آینده را تاریک و مبهم ببیند و از آن بترسد، در حالی که از دیدگاه قرآن کریم علت سختی زندگی رویگردانی

از ذکر خداست. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»، هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی سخت و تنگی خواهد داشت ... (طه/۱۲۴).

ولی توجه به خدا باعث هدفمندی و معناداری جهان برای خواهد شد. آیات و روایاتی که حکمت آفرینش انسان را بیان کرده‌اند که با تأمل در آنها می‌توان گفت که آفرینش انسان، دارای پنج حکمت است. این حکمت‌ها عبارت‌اند از:

۱- به کارگیری عقل و شناخت آفریدگار

قرآن کریم، در ادامه تبیین مراحل آفرینش انسان، تصریح می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَىٰ مِنْ قَبْلِ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (غافر/۶۷)؛ او کسی است که شما را از خاک، آن گاه از نطفه و آن گاه از خون بسته آفرید و شما را به صورت کودک در آورد تا شما را به کمال قوت برساند، و تا سالمند شوید. از میان شما بعضی مرگ پیش‌رس می‌یابد و تا [در نهایت] به مدتی مقرر برسید و امید که در اندیشه فرو روید» (ری شهری، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

۲- آزمایش انسان

حکمت دیگر خلقت انسان، ابتلا و آزمایش است:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک/۲).

اوست که مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید شما را که کدامتان بهترین کردار را دارید.

گفتنی است که آزمایش خداوند متعال به منظور آگاهی یافتن نیست؛ بلکه حکمت آن، شکوفا کردن استعدادهای انسان است، چنان که از امام علی (ع) روایت شده:

«أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ، لَا أَنَّهُ جَهْلٌ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْنُونٍ ضَمَائِرِهِمْ، وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، فَيَكُونَ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً»، بدانید که خداوند متعال، از آفریده‌ها کاملاً پرده برداشته است؛ نه این که از آنچه آنها پنهان کرده‌اند، از محفوظات رازهایشان و پنهان شده‌های درونشان، بی‌خبر باشد. آری. برای این که بیازماید آنها را تا این که کدامشان بهترین کردار را دارند تا به این وسیله ثواب، پاداش و عقاب، کیفرش باشد (نهج البلاغه/خطبه ۱۴۴).

شاید همین معنا مقصود باشد از آنچه در برخی روایات آمده که وقتی حضرت داوود (ع) از خداوند پرسید که: «یا رَبِّ لِمَاذَا خَلَقْتَ الْخَلْقَ؟؛ پروردگارا! چرا آفریده‌ها را پدید آوردی؟»، چنین پاسخ آمد: «لِمَا هُمْ عَلَيْهِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۱۴۱). برای آنچه آنان برآیند (برای قابلیت‌هایی که دارند).

۳- عبادت خداوند متعال

حکمت دیگر آفرینش انسان، که در قرآن بدان تصریح شده، عبادت آفریدگار است. قرآن در این باره می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، جنیان و انسیان را نیافریدم، مگر برای عبادت (ذاریات/۵۶). به کارگیری اندیشه و شناخت آفریدگار، در واقع مقدمه شکوفایی استعدادهای انسان است و شکوفایی استعدادهای وی، در گروی فرمانبری او از خداوند متعال و عبادت اوست، چنان که امام حسین (ع) می فرماید: «ما خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ»، بندگان را نیافریدم، مگر برای این که او را بشناسند و هرگاه او را بشناسند، او را می پرستند.

۴- رحمت الهی

چهارمین حکمت آفرینش انسان که در قرآن به آن اشاره گردیده و در روایات، بدان تصریح شده است، رسیدن به رحمت آفریدگار جهان است، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده: «خَلَقَهُمْ لِيَفْعَلُوا مَا يَسْتَوْجِبُونَ بِهِ رَحْمَتَهُ فَيَرَحِمَهُمْ»، آنها را آفرید تا کارهایی را که موجب رحمت خداوند است، انجام دهند و [به خاطر آن کارها] بر ایشان رحمت آورد.

۵- بازگشت به خدا

از نگاه قرآن، فلسفه نهایی آفرینش انسان و جهان، بازگشت به خداوند متعال است، و اگر این هدف نباشد، نه تنها آفرینش انسان، بلکه آفرینش جهان، باطل و بیهوده است. لذا قرآن می فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»، آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟ (مومنون/۱۱۵). آدمی در اثر غفلت از خداوند، به تدریج به مرحله ای از گمراهی می رسد که «خود» را گم و یا فراموش می کند. خود فراموشی یکی از نشانه های بدبختی انسان است، چرا که در اثر آن، فضایل و امتیازاتی را که خداوند در وجود او قرار داده و به موجب آن او را بر سایر مخلوقات برتری بخشیده از یاد می برد و شخصیت و مقام خود را تا مرز حیوانیت پایین می آورد. قرآن کریم خدا فراموشی را که نتیجه ترک عبادت است عامل اصلی خود فراموشی دانسته می فرماید:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»، همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنان را به «خود فراموشی» مبتلا کرد؛ آنان همان تبهکارانند (حشر/۱۹). بنابراین تنها دین است که می تواند، با معنا بخشیدن به زندگانی انسان ها، آنان را آرامش دهد و تحمل رنج ها را آسان کند. اگر انسان دانست برای جهان خالق حکیم، رحمان و رحیم است، همه چیز برای او توجیه منطقی خواهد داشت.

احساس تنهایی

یکی از رنج‌های بشر که در جهان صنعتی و پیدایش کلان شهرها به شدت رو به تزاید نهاده است مسأله احساس تنهایی است. منظور از احساس تنهایی در این جا، تنهایی فیزیکی یعنی جدایی از دیگران نیست؛ بلکه گونه‌های دیگری هم چون ناتوانی دیگران در پاسخ‌دهی به برخی از نیازهای انسان، عدم درک دیگران از شخص و یا سرگرمی دیگران به کار خود و جستجوی منافع خویش و عدم توجه عمیق، جدی، خیرخواهانه و دیگر خواهانه در جهت تأمین خواسته‌ها و نیازهای شخص است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۴۶).

به عبارت دیگر انسان در این دنیا خود را در میان انبوه مردمانی می‌یابد که همواره در بند خودخواهی‌های خویشند و حتی اگر اعمالی به ظاهر نیک و مفید به حال دیگری انجام می‌دهند عمدتاً آمیخته به انواع درخواست‌ها، گرایش‌ها و خودخواهی‌های ظاهر و پنهان است و کسی صد در صد به خاطر «من» کاری برای «من» انجام نمی‌دهد. اما در نگرش دینی انسان هیچ‌گاه تنها نیست. خدا همواره با اوست «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴). نسبت به انسان رؤوف و مهربان است «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ» (حج/۶۵). نیازهای انسان را می‌داند، در رفع آنها تواناست، به یاری انسان می‌شتابد و دعای او را اجابت می‌کند و در این جهت هیچ‌خواستی، نیاز و تقاضایی ندارد. بنابراین انسان هیچگاه احساس تنهایی نمی‌کند. شاهدان اعمال انسان علاوه بر خداوند، «أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق/۱۴)، فرشتگان موکل بر انسان و حتی زمین شاهدند و روز قیامت در پیشگاه عدل الهی گواهی خواهند داد. این دنیا مجهز به دوربین مداربسته است! رسول اکرم (ص) فرمودند: «یا أَبَا ذَرٍّ أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَنَ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَانْهَ» (پیراک؛ ای ابوذر خدای را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی. پس اگر تو او را نبینی او تو را می‌بیند) (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۹). اساساً تأثیر جمله «این مکان مجهز به دوربین مداربسته می‌باشد» به مراتب بیشتر از جمله «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید» است. اما چرا؟

بر اساس آموزه‌های قرآنی، انسان هیچگاه تنها نیست و شاهدانی و ناظرانی همواره مراقب او هستند که عبارتند از:

- ۱- خدا: «أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق/۱۴).
- ۲- پیامبر (ص): «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً» (احزاب/۴۵).
- ۳- امامان: «وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۰۵).

۴- ملائک مقرب: «كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» (مطففین / ۲۰-۲۱).

۵- شهداء: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره / ۱۵۴).

۶- زمین: «وَمَنْذُ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال / ۴).

۷- زمان: «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ * وَشَهِدِ مَشْهُودٍ» (بروج / ۲-۳).

۸- اعضاء و جوارح: وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (فصلت / ۲۱).

بنابراین با اعتقاد به حضور خدا و شاهدان اعمال انسان هیچ گاه و هیچ جا تنها نیست و عالم هستی محضر خداست. در قرآن کریم توجه به آیه «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴). هر کجا که باشید او (خدا) با شماست برای کسانی که می خواهند از آرامش و اطمینان قلبی در زندگی برخوردار باشند، بسیار مفید خواهد بود؛ چرا که آنچه عاقبت انسان و زندگی او را به مخاطره می اندازد دوری از خدا و رفتن به سمت گناه است.

در دعای جوشن کبیر تعبیراتی است که گرد و غبار احساس تنهایی را از دل و روح انسان می زداید دل بی دوست بسی غمگین است. دوست و رفیق همیشگی انسان خدای تعالی است همانگونه که در فرازی از دعای جوشن کبیر آمده: «یا حبيب من لا حبيب له یا أنیس من لا أنیس له». به توجه به حضور دائمی خداست که انسان مومن خود را رها و آزاد نمی بیند و سعادت را در بندگی خدا جستجو می کند تا در سایه عمل به وظیفه بندگی خود به کمال و سعادت دست یابد.

«اعتقاد به خدا مستلزم ایمان به خداست و ایمان به خدا یعنی تعلق و بسته بودن به خدا، و حال آنکه بسته بودن - به هر شکل که می خواهد باشد - و تعلق و ایمان و وابستگی به هر حقیقتی بر ضد آزادی انسان است، خصوصاً اگر این اعتقاد و بستگی اعتقاد و بستگی به خدا باشد، چون بستگی به خدا فوق همه بستگی هاست.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۱۰).

نتیجه گیری

در جهان معاصر با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی انسان ها با دغدغه ها و مشکلات روانی دست به گریباند. رنج هایی چون رنج مرگ اندیشی، احساس پوچی، احساس تنهایی و سرگردانی در زندگی، موجب اضطراب بشر گردیده است. نوع نگرش انسان نسبت به جهان هستی و انسان، به طور مستقیم در کیفیت زندگی آدمی دخالت دارد. نگاه قرآنی و توحیدی به هستی و ایمان به معاد است که انسان را از پوچی رها کرده و زندگی را معنادار و هدفمند می سازد. و مرگ را همچون پلی برای رسیدن به حیات ابدی می داند. طبق رهنمودهایی از آموزه های قرآنی ایمان و توجه به حضور خداوند، احساس تنهایی را از انسان می زداید از این رو آموزه های قرآنی برای تسکین آلام و رنج های بشر امروزی نسخه آرام بخش دل ها و شفا بخش راهنمای رسیدن به سعادت و کامیابی در زندگی است و آفرینش و زندگی معنادار و توجیه منطقی خواهد داشت. برخی از اهداف مهم خلقت انسان از نگاه قرآن عبارتند از عبادت، آزمایش، بهره مندی از رحمت الهی و لقای پروردگار.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه
۳. انصاریان، حسین، (۱۳۸۳)، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم، دارالعرفان.
۴. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، (۱۴۲۵ق)، رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم، چاپ هفتم، مشهد مقدس، ملکوت نور قرآن.
۵. بکر، لارنس سی، (۱۳۷۸)، تاریخ فلسفه اخلاق غرب، ترجمه گروهی از مترجمان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۶. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، چاپ چهارم، تهران، علمی.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، انتظار بشر از دین، چاپ اول، قم، اسراء.
۸. جیمز کرن فیمل من، (۱۳۷۵)، آشنایی با فلسفه غرب، ترجمه محمد بقایی، تهران، انتشارات حکمت، تهران.
۹. حلی، ورام بن ابی فراس، (بی تا)، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، بیروت، دار صعب.
۱۰. رنجبرقدیم، نسرین السادات؛ قاسمی نیا، پریسا، (۱۳۹۶)، «روانشناسی مرگ»، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، ش ۹.
۱۱. ژان برن، (۱۳۵۷)، فلسفه اپیکور، ترجمه ابوالقاسم پور حسینی، تهران، امیرکبیر.
۱۲. شارل ورنر، (۱۳۷۳)، حکمت یونان، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۱۴. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، شیعه در اسلام، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، قم، بوستان کتاب.
۱۵. عزیزی، میلاد؛ علی زمانی، امیر عباس، (۱۳۹۴)، «بررسی دیدگاه اروین یالوم درباره ارتباط دغدغه‌های وجودی مرگ اندیشی و معنای زندگی»، پژوهش‌های هستی‌شناختی دو فصلنامه علمی- پژوهشی، سال چهارم، ش ۸، ص ۱۹.
۱۶. غیبی، ولی، (۱۳۹۰)، رساله دکتری، رابطه لذت و سعادت از دیدگاه اپیکور، ارسطو و ملاصدرا، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
۱۷. فردریک چارلز، کاپلستون، (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

۱۸. فروغی، محمد علی، (۱۳۷۷)، سیر حکمت در اروپا به تصحیح امیر جلال الدین اعلم، چاپ دوم، نشر البرز، تهران، ص ۵۲.
۱۹. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۳۶۷)، الخرائج و الجرائح، قم، مطبوعات مدرسه امام مهدی.
۲۰. قمی، عباس، (۱۳۸۷)، منازل الآخرة، چاپ نهم، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷)، انسان شناسی از منظر قرآن و حدیث (فارسی - عربی)، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۸، چاپ هشتم، تهران، صدرا.
۲۳. موسوی همدانی، محمد باقر، (۱۳۷۳)، ترجمه المیزان، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. یالوم، اروین، (۱۳۹۰)، خیره به خورشید، ترجمه مهدی غبرایی، تهران، نیکونشر.

